

پیامدهای عضویت چین در سازمان جهانی تجارت

اشاره:

عضویت در سازمان جهانی تجارت با هدف دستیابی به بازارهای بین‌المللی و کسب سهم بیشتر در تجارت دنیا، برای بسیاری از کشورها به عنوان یک هدف راهبردی (استراتژیک) تلقی می‌شود.

سازمان جهانی تجارت با ۱۳۵ کشور عضو، بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی را پوشش می‌دهد. مقررات حاکم بر فعالیت‌های بازرگانی کشورهای عضو این سازمان، دسترسی اعضا به بازارهای یکدیگر را تسهیل می‌کند و در افزایش سهم آنها در تجارت بین‌المللی تأثیر بسزایی دارد.

یکی از کشورهایی که در سال‌های اخیر برای عضویت در سازمان جهانی تجارت تلاش وسیعی به عمل آورده، چین است. این کشور برای جلب نظر موافق آمریکا برای عضویت در سازمان مذکور، اصلاحات وسیعی به عمل آورده و بازار خود را بر روی سرمایه‌گذاران و شرکت‌های آمریکایی تا حد قابل توجهی گشوده است.

در این گزارش که برگرفته از نشریه «فورچون» می‌باشد و از سوی خادم ایرانی عمرانی ترجمه و تدوین شده است، با تلاش‌های چین برای عضویت در سازمان جهانی تجارت و پیامدهای قابل ارزیابی آن آشنا می‌شوید.

جریان این سفر، امتیازاتی که از سوی دولت کلینتون مطرح شد و چین بسیاری از جزئیات آنها را تکذیب کرد، موجب حیرت بازرگانان آمریکایی شد.

کلاید پرستوویتز سرپرست مؤسسه استراتژی اقتصاد مستقر در واشنگتن، به صراحت گفت: اگرچه بیل کلینتون به دلایلی که موجب گیج شدن همه شده است، پیمان را قبول نکرد، اما اگر من جای او بودم، پیمان را قبول می‌کردم.

جریان عضویت چین در سازمان جهانی تجارت تا زمان برگزاری اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری آسیا - اقیانوس آرام (آپک) (ژانویه تا سپتامبر ۹۹ و دیدار رؤسای جمهوری

درک خواهد کرد. زیرا چین را در مسیر اقتصاد بازار به سرعت جلو می‌برد و کارآیی و باز بودن آن را فزونی می‌بخشد و از چین یک شریک تجاری عمده برای سایر کشورهای جهان و اقتصاد جهانی خواهد ساخت.

شاید پیمانی میان چین و آمریکا در زمینه مساعدت آمریکا از عضویت چین در سازمان تجارت جهانی می‌بایست در آوریل ۱۹۹۹ زمانی که «ژو رونگجی» (نخست‌وزیر چین) به واشنگتن سفر کرد و به‌طور خصوصی پیشنهاد چین برای ورود به سازمان را پس از گذشت ۱۳ سال از واقعه میدان تیانان من مطرح می‌کرد، منعقد می‌شد. با این حال در

شنیدن پیشنهاد چین برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت، تقریباً برای همه خبر خوبی بود، اما آیا سیاست، دخالتی در آن داشته است؟

عضویت چین در سازمان جهانی تجارت، نقطه عطفی در سیاست اقتصادی این کشور از زمان شروع اجرای اصلاحات و گشودن اقتصاد چین به روی خارجی‌ها توسط دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸ می‌باشد.

اثرات اولیه عضویت چین در سازمان جهانی تجارت را شرکت‌های چندملیتی فعال در این کشور و شرکت‌های در شرف فعالیت در آن حس می‌کنند، اما اثرات عمیق و طولانی مدت را اقتصاد چین

آمریکا و چین، در مسیر خود قرار نگرفت. با این وجود اگر پیمان پیشنهادی چین به آمریکا تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده به تصویب کنگره نرسد، پیمانی مرده تلقی خواهد شد.

این ناکامی، عضویت چین در سازمان جهانی تجارت را دست کم تا سال ۲۰۰۱ میلادی عقب می اندازد. در حالی که آمریکا از بابت چین با اقتصاد باز، سود بیشتری کسب خواهد کرد.

حجم تجارت میان چین و آمریکا فقط به یک درصد ارزش تولید ناخالص داخلی آمریکا می رسد و به نظر می رسد که آمریکا از این بابت رقم ناچیزی را از دست می دهد و بنابراین تأثیری بر آمریکا نخواهد داشت. اما اقتصاد به طور کلی به سبکی «پَر» می باشد، به ویژه آنکه عضویت چین در سازمان جهانی تجارت اقتصاد آمریکا را نیز به روی کالاها و خدمات چین باز می کند.

در همین حال صاحبان شرکت های چندملیتی آمریکا عقیده دارند که از شرایط عملیاتی بهبود یافته در چین بهره مند خواهند شد. برای مثال کاهش تعرفه ها و حذف سهمیه های واردات، تأثیر بسزایی در روند تجارت این شرکت ها با چین خواهد داشت. حتی این بهبود برای کشاورزان آمریکایی و استرالیایی نیز قابل لمس است. تغییر سوانع غیرتعرفه ای (سهمیه واردات محصولات کشاورزی) در چین به تعرفه های معادل سبب می شود که این کشاورزان به سهولت بتوانند صادراتشان را به بازار این کشور دو برابر کنند. حتی عضویت چین در سازمان جهانی تجارت، برای صادرکنندگان ماشین آلات مهم است.

در حال حاضر در بازار چین، خودرو و قطعات آن مشمول تعرفه تا حد ۱۰۰

درصد عوارض می باشد که تا سال ۲۰۰۵ به ترتیب به ۲۵ و ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت.

چین نسبت به از بین بردن سیستم مبهم سهمیه واردات که مانع دشوارتری نسبت به تعرفه است، ملزم خواهد شد.

چین پس از آمریکا دومین کشور عمده سرمایه پذیر است. حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین تا سال ۱۹۹۸ به ۳۰۰ میلیارد دلار بالغ شد. با این وجود حجم نقدینگی در اقتصاد چین ثابت مانده یا رو به کاهش نهاده و این امر مذاکرات با بازرگانان خارجی مقیم پکن را دشوار و کم ثمر نموده است.

برای مثال مدیر یک شرکت سیار که امور بیگانگان را در پکن سر و سامان می دهد، گفته است که آمدورفت وی به پکن برای انجام امور تجاری در سال جاری ۸۵ درصد کندتر شده است.

جیم مک گریگور که کارهای داو جونز را در چین به مدت ۱۲ سال اداره می کند، می گوید: سرمایه گذاری خارجی در چین راه خود را در دهه گذشته پیموده است.

شرکت های چندملیتی در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ با وعده دستیابی عادلانه به بازار در چین در قبال سرمایه گذاری و انتقال فن آوری، سرازیر پکن شدند. اما مک گریگور معتقد است که شرکت های خارجی فعال در چین از تقویت بازرگانان داخلی که از غرب درس هایی آموخته اند تا سیستم تقسیم مناسب دولتی بین اعضای حزب حاکم را ایجاد کنند، اکنون خسته شده اند.

وی می گوید: تأثیر عضویت چین در سازمان جهانی تجارت بر سرمایه گذاری در این کشور را باید در دهه بعد مشاهده کرد و دیگر سرمایه گذاران نیز با این ایده موافق هستند.

در همین حال «کریس مور» رییس عملیات چیس ماهاتان چین می گوید: فضای اقتصادی برای سرمایه گذاران و شرکت های چندملیتی در چین کاملاً اشباع نشده و دولت چین این امر را با مقررات مربوط به پروژه های مشترک انجام داده است.

وی معتقد است که جریان سرمایه گذاری خارجی در چین به فضای مانور (نمایش) بیشتر برای سرمایه گذاران در آینده بستگی دارد.

به نظر می رسد که توسعه بازار چین در بخش خدمات خواهد بود، یعنی زمینه ای که شرکت های آمریکایی در آن از بعد جهانی قدرت رقابتی تری دارند و برد آن وسیع است.

«استیو گلدمن» رییس عملیات اگزان در چین تصور می کند که عضویت چین در سازمان جهانی تجارت راه را برای دستیابی کافی به یک اقتصاد متوازن برای کسب پول هموار می کند. زیرا مالکیت شرکت های خارجی در بخش خدمات مخابراتی که در حال حاضر در چین ممنوع است را طی مراحل می گشاید.

در این صورت شرکت های خارجی فعال در عرضه خدمات تلفن ثابت تا سال ۲۰۰۶ به ۴۹ درصد، برای تلفن همراه تا سال ۲۰۰۵ به ۴۹ درصد و برای اینترنت و سایر خدمات ارزش افزوده تا سال ۲۰۰۴ به ۵۱ درصد سهم مالکیت دست خواهند یافت.

این در حالی است که تقاضا برای این گونه خدمات در بازار چین به سرعت رو به افزایش است.

در بخش بانکداری، با آنکه برخی بانکداران آمریکایی از پیشنهاد «ژو رونگجی» در آوریل ۹۹ برای امور مالی گله مند بودند، اما کسانی نیز بودند که با توجه به عقب افتادگی پکن در بخش امور مالی و بانکداری، تصور می کردند

سال از صفر به ۲۰ درصد رسید. با وجود آنکه رقابتی تر شدن شرکت‌های بیمه محلی در چین موجب شد که سهم AIG بعداً به ۷ درصد کاهش یابد، ولی افزایش تقاضا برای بیمه عمر سبب شد که درآمد و سود این شرکت به بیش از زمانی که سهمش را در بازار از دست داد، برسد.

با وجود دورنمایی که از فعالیت برای شرکت‌های خارجی در بازار چین متصور است، اما برای تمام کسانی که در بخش‌های تجاری، تولید و ساخت

وسایل و خدمات فعال می‌شوند، با مسأله «توزیع» در این بازار مواجه می‌باشند. بخش توزیع در اقتصاد چین، قدیمی‌ترین شیوه را دارد و برای خارجی‌ها

محدودیت‌هایی را اعمال می‌کند.

در حال حاضر شرکت‌های خارجی برای واردات کالاها خود باید از طریق شرکت دولتی تجارت خارجی عمل کنند و نمی‌توانند کالاها را به صورت عمده یا خرده‌فروشی (به‌طور مستقیم) توزیع کنند و یا خدمات پس از فروش ارائه دهند.

«تیم استراتفورد» نایب رییس شرکت جنرال موتورز در چین عقیده دارد که این مشکل سبب شده که شرکت‌های خارجی در چین تا حد زیادی غیرفعال باشند. اما در پیشنهاد رونگجی، اکثر محدودیت‌ها ظرف سه سال برطرف می‌شود و راه برای نفوذ شرکت‌های چندملیتی به بازار چین هموار می‌گردد.

در درازمدت نیز آنچه برای شرکت‌های چندملیتی مهم خواهد بود، انگیزه انجام اصلاحات اقتصادی در چین است که عضویت در سازمان جهانی

جغرافیایی و... احاطه شده‌اند. اما با عضویت چین در سازمان جهانی تجارت، این محدودیت‌ها به موجب مقررات سازمان یاد شده کاهش می‌یابند. مقررات مذکور برای تبدیل چین به بزرگترین فرصت بازار برای بیمه‌گران غربی، کافی هستند.

از نظر مدیران شرکت‌های بیمه، این یک فرصت واقعی است، نه فرصت بالقوه‌ای که اغلب در چین دیده‌اند. سپرده‌های شخصی بسیاری در چین

○ توسعه بازار چین در بخش خدمات با عضویت این کشور در سازمان جهانی تجارت، قابل توجه خواهد بود. تقاضا برای خدمات مخابراتی و بیمه در بازار چین به سرعت در حال افزایش است و شرکت‌های خارجی می‌توانند در این بخش‌ها فرصت‌های زیادی را به دست آورند.

موجود است که به جایی سپرده نشده است. تعداد معدودی از چینی‌ها، بیمه عمر دارند. میزان نفوذ صنعت بیمه در زمینه فروش بیمه عمر در چین با ۱/۲ میلیارد نفر جمعیت فقط یک بیستم کسانی است که در مالزی بیمه عمر دارند و یک نوزدهم کسانی است که در هنگ‌کنگ از این بیمه استفاده می‌کنند.

«یان لان کاستر» رییس شرکت آمریکایی چاب (Chubb) که در آوریل گذشته امتیاز بیمه دارایی و تصادفات در چین را کسب کرد، می‌گوید: رشد بازار بیمه عمر در شانگهای در شش سال نخست اعطای مجوز به شرکت‌های خارجی، سالانه تا ۶۰ درصد رشد خواهد داشت.

تجربه شرکت بیمه AIG که در سال ۱۹۹۳ اجازه فعالیت در چین را کسب کرد، نشان می‌دهد که سهم این شرکت در بازار بیمه عمر در شانگهای ظرف دو

که هر نوع پیشرفتی در این بخش، سهم فوق‌العاده‌ای را در بازار چین عایدشان می‌سازد.

پیشنهاد آوریل گذشته چین برای بخش وسایل سرگرمی در واقع دلیلی برای گله باقی نگذاشت.

«مایکل پریمونت» که دفتر شرکت "Cherry Lane Music" را در پکن اداره می‌کند، درصدد جمع‌آوری حدود ۱۰ میلیون دلار حق امتیاز در چین برای مشتریان خود می‌باشد.

وی پیش‌بینی می‌کند در صورتی که درهای چین به دنیای خارج باز شود، این رقم به سرعت به صدها میلیون دلار افزایش می‌یابد. از نظر وی بزرگترین در به روی

دنیای خارج برای چین، عضویت در سازمان جهانی تجارت است.

وی معتقد است که هالیوود با پیشنهاد چین حتی با اجازه نمایش سالانه ۱۰ فیلم آمریکایی در چین موافق است و در این صورت موفقیت خواهند داشت. زیرا پیشنهاد آوریل ۹۹ فقط برای اجازه پخش فیلم نیست، بلکه شرکت‌ها و افراد خارجی اجازه می‌یابند که سینماها را در چین مالک شوند و راه‌اندازی کنند.

در بخش بیمه نیز ذکر این نکته ضروری است که بیمه‌گران غربی درصدد کسب سریع بازار چین هستند. گفته می‌شود که رد پیشنهاد «ژو رونگجی» از سوی کلیتون در آوریل گذشته، «هانگ گرین‌برگ» رییس شرکت بیمه «آی.جی» را به حال سکه انداخت.

تاکنون سیزده مجوز بیمه برای فعالیت شرکت‌های غربی در چین صادر شده که به شدت با تنگناهای محدودیت

تجارت آن را ایجاد می‌کند.

اقتصاد چین به ویژه در بخش صنایع دولتی به لحاظ فقدان حاکمیت قانون و شفافیت در عملکرد، در واقع با بی‌کفایتی‌ها عجین شده است. اما فشار رقابت از سوی شرکت‌های خارجی سبب می‌شود که کارهای تجاری دولتی چین اصلاح و یا تعطیل شوند.

در همین حال مرکز تحقیقات توسعه شورای دولتی (وابسته به هیأت دولت چین) برآورد کرده است که پیوستن چین به سازمان جهانی

تجارت سبب می‌شود که ظرف هفت سال، ۱۰ میلیون شغل در بخش کشاورزی و یک میلیون شغل در صنایع خودروسازی، ماشین‌آلات و تجهیزات از بین برود، اما بیش از ۲/۵ میلیون شغل در هر یک از صنایع نساجی، پوشاک و خدمات ایجاد خواهد شد و این همان چیزی است که از گشایش یک اقتصاد انتظار می‌رود. در نهایت چین به سوی گسترش صنایع سبک کارگروهر سوق پیدا می‌کند و از فعالیت‌هایی که چنین خصوصیتهایی نداشته باشد، دوری می‌جوید.

در همین حال حذف و از بین رفتن بی‌کفایتی‌ها از تغییراتی است که انتظار آن می‌رود. «ژو ژیاونیان» رئیس تحقیقات شرکت بین‌المللی سرمایه در چین می‌گوید: در اثر عضویت چین در سازمان جهانی تجارت، هقلایی کردن و ساختار مجدد صنعتی (به ویژه در بخش‌های خودروسازی و پتروشیمی) عینیت می‌یابد.

در سال ۱۹۹۵ در چین ۱۲۲ شرکت خودروسازی فعال بود که در ۱۷ استان از

۳۰ استان این کشور پراکنده بوده و بزرگترین آنها کمتر از ۳۰۰ هزار دستگاه خودرو در سال تولید کرد. این رقم حدود یک بیست‌وپنجم تولید جهانی جنرال موتورز و یک پنجاهم تولید جهانی دایملرکرایسلر بود. با ورود چین به سازمان جهانی تجارت، صنعت خودروسازی در این کشور تحکیم و

○ با عضویت چین در سازمان جهانی تجارت، اقتصاد این کشور به ویژه در بخش صنایع دولتی که اکنون به لاما فقدان حاکمیت قانون، بی‌کفایت شده است، با فشار رقابت شرکت‌های خارجی، اصلاح یا تعطیل خواهد شد و بی‌کفایتی‌ها از بین خواهد رفت.

تثبیت می‌شود. در بخش فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی نیز چنین فرآیندی مصداق دارد.

بهترین نتیجه عضویت چین در سازمان جهانی تجارت، ورود روش‌های مدیریت و فن‌آوری به این کشور، افزایش و بهبود کفایت و لیافت و کارایی تولیدکنندگان داخلی و نیز توسعه بازار برای شرکت‌های خوب داخلی و خارجی (به‌طور یکسان) خواهد بود.

با وجود آنکه درک گفت‌وگوهای میان بیل کلینتون و جیانگ زمین در سپتامبر گذشته در زلاندنو مشکل است، اما به نظر می‌رسد که تمایل چین به عقد پیمان با آمریکا همچنان وجود دارد و مشکل واقعی در واشنگتن است، زیرا بخش تجاری به‌طور هماهنگ و یکپارچه پشت قضیه قرار گرفته‌اند. جریان ضدچینی نمی‌خواهد فرصت و شانس خود را برای ضربه زدن به چین به خاطر نقض حقوق بشر و سایر شرکت‌های غیراقتصادی در خلال منازعات سالانه از دست بدهد.

با وجود آنکه فقط ۱۰ درصد نیروی کار بخش خصوصی آمریکا در

اتحادیه‌های کارگری عضو هستند، در همین حال بخش کارگری سازمان یافته به شدت مخالف پیمان چین و آمریکاست. از سوی دیگر انتخابات آمریکا نیز موضوع مهمی است. «ال‌گور» معاون رئیس‌جمهوری آمریکا به هرکس که بتواند به‌دست آورد، نیاز دارد و به دلایل نه‌چندان شفاف، اتحادیه‌ها به‌شدت با

پیوستن چین به سازمان جهانی تجارت مخالف هستند.

به عقیده «جیم‌روهور» نویسنده این مقاله، با عقد پیمان میان

چین و آمریکا، یک جنگ تجاری احتمالاً به وقوع می‌پیوندد، اگرچه در آن صورت حمایت فزاینده از تولید ملی برای آمریکا بیش از چین خطرآفرین خواهد شد. این در حالی است که در چین نیروهای سوق‌دهنده این کشور به انجام اصلاحات و گشودن بازار به روی خارجی‌ها مقتدر هستند.

به عقیده وی، عضویت در بانفوذترین سازمان تجاری جهان، بی‌شک به تسریع روند اصلاحات در چین کمک خواهد کرد و این امر فرصت‌هایی را در بخش بازرگانی خارجی ایجاد می‌کند.

نویسنده مقاله در پایان می‌نویسد، برای توصیف انگیزه‌هایی که به یک نامزد انتخابات ریاست جمهوری وزن بیشتری دهد، صفات بسیاری لازم است و فقط نفع ملت آمریکا مطرح نیست.

